



نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل باکون فارس، تپه سیلک کاشان و تپه گیان نهاوند

ابوالقاسم دادور* ساره بهمنی** ساسان سامانیان***

چکیده

با توجه به خلل نسبی علمی- تحقیقاتی در زمینه شناخت و بررسی نمادهای به کار رفته روی سفالینه‌های مناطق باستانی و تاریخی تمدن ایران و برای یافتن پاسخ این سؤال که نمادهای به کار رفته در سفالینه‌های مناطق مختلف در دوره‌های تاریخی از نظر ترسیم و مفهوم بکارگیری آنها روی ظروف دارای چه وجوه مشترکی هستند، این پژوهش انجام گرفته است. آنچه به عنوان هدف در این مقاله دنبال می‌شود، بررسی تصویری و مفهومی نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل باکون فارس، تپه سیلک کاشان و تپه گیان نهاوند با رویکردی تطبیقی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر، تحلیلی- توصیفی است. اطلاعات آن نیز با انجام تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. حاصل این پژوهش، بازنمایی تحلیلی وجوه اشتراک و افتراق نمادهای مشترک در این سه منطقه است که نشان می‌دهد از نظر ترسیمی نمادهای موجود در سفالینه‌های تل باکون بسیار پیچیده، متنوع و ماهرانه و نمادهای موجود بر سفالینه‌های تپه سیلک مسبک و نزدیک به طبیعت ترسیم شده‌اند. همچنین نمادهای سفالینه‌های تپه گیان حداقل نمادهای سیلک و باکون هستند و از نظر مفهوم بکارگیری، بیشتر نمادها ریشه در فرهنگ و تمدن مردمان این مرز و بوم دارند. بطور کلی نمادهای به کار رفته در سفالینه‌های تل باکون فارس و تپه‌های سیلک کاشان و گیان نهاوند با وجود فواصل جغرافیایی این سه منطقه، از نظر ترسیم و مفهوم بکارگیری شان روی ظروف دارای اشتراکات فراوانی هستند.

کلیدواژگان: ایران باستان، تپه سیلک، تپه گیان، تل باکون، سفال، نماد.

* دانشیار، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران.

** کارشناسی‌ارشد هنر اسلامی، دانشگاه کاشان.

*** دانشجوی دکتری مرمت اشیای فرهنگی و تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان.



مقدمه

بخش مهمی از سابقه نمادها و نقوش تمدن‌های مختلف، بر پیکره آثاری نهفته است که به عنوان اسنادی معتبر مطالعه می‌شوند. بی‌شک یکی از این آثار، سفالینه‌های جوامع مختلف است که از مهم‌ترین منابع در این خصوص هستند. سفال و نقوش ثبت‌شده بر آن‌ها در ادوار تاریخی تمدن ایران، یکی از این نمونه‌ها است.

ایرانیان در ساختن ظروف منقوش مهارت و استادی نشان داده‌اند. با مقایسه ساخته‌هایشان با اشیای هم‌زمان سرزمین‌های دیگر چنین به دست می‌آید که نظایر ظروف منقوش ایرانی به ندرت شناخته شده است. از این‌رو، می‌توان ایران را زادگاه اولیه ظروف منقوش و پیدایش نخستین آن را به دست سفال‌سازان ایرانی دانست. از آثار باقی‌مانده تمدن قبل از تاریخ، این‌طور تصور می‌شود که نقاشی روی اشیای از هزاره چهارم پیش از میلاد معمول گردیده است. ظروف سفالی این دوران با دقت بسیار ساخته شده‌اند. سفالگر باستانی به دلیل نبود خط و کتابت، از طریق نقوش تزئینی که روی سفالینه‌ها ترسیم می‌کرده، افکار خود را در رابطه با طبیعت و محیط اطراف خویش به دیگران منتقل کرده است. درواقع این نقوش تزئینی اولین نمادهای تصویری هستند که در جهان شناخته شده‌اند. بنابر آنچه بیان شد، در پژوهش حاضر مسئله این است که باوجود فواصل جغرافیایی، نمادهای یادشده روی ظروف به چه شیوه و مفهومی ترسیم می‌شده‌اند. دیگر اینکه، قرارگیری این ظروف در مناطق مختلف جغرافیایی چه تأثیری بر شیوه ترسیم یا مفهوم به کارگیری نمادها روی آن‌ها داشته است. با فرض بر اینکه چنین نمادهایی در دوره‌های تاریخی دارای وجوه اشتراک بسیار زیادی از نظر ترسیم و مفهوم به کارگیری آن‌ها روی ظروف هستند، هدف از این پژوهش نیز شناخت نمادها و معانی و مفاهیم مشترکی است که هنرمند روی ظروف بازنمایی کرده است. درواقع هدف، برداشتن گامی در جهت شناخت مفهوم نمادهای ترسیم‌شده به دست سفالگران باستانی است چراکه این نمادها بهترین اسناد برای مطالعه و شناخت عقاید و افکار انسان باستانی از محیط اطرافش است. بنابراین ابتدا موقعیت جغرافیایی و شاخصه‌های سفال سه منطقه مورد پژوهش بررسی شده است. سپس با بررسی مفهومی هر یک از نمادها و ترسیم جدول‌هایی برای مطالعه تطبیقی و تصویری نمادهای موجود بر سفالینه‌های سه منطقه، نتایج جالبی از اشتراک و افتراق میان این نمادها به دست آمد که ماحصل آن‌ها در جدولی ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی نوع ساخت، شکل ظاهری و مواد به کار رفته در سفالینه‌های مناطق باستانی ایران تحقیقاتی انجام پذیرفته که برخی از آن‌ها بدین قرار است: علیزاده (۱۳۸۳) در "منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس"، کیانی (۱۳۷۹) در "پیشینه سفال و سفالگری در ایران"، گیرشمن^۱ (۱۳۷۸) در "سیلک کاشان"، ملک شه‌میرزادی (۱۳۷۸) در "ایران در پیش از تاریخ"، واندنبرگ (۱۳۴۸) در "باستان‌شناسی ایران باستان" و هرتسفلد^۲ (۱۳۸۱) در "ایران در شرق باستان" با رویکردی باستان‌شناسی موضوع مدنظر را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌هایی نیز در زمینه نمادها انجام پذیرفته است. جیمز هال (۱۳۸۵) در "فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب"، فورد و بروس (۱۳۸۸) در "فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان" و دادور (۱۳۸۵) در "درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان"، نمادهای موجود را از نظر معنا و مفهوم بررسی کرده‌اند. وجه تمایز مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌ها این است که با رویکردی جدید، نمادهای انسانی و حیوانی سفالینه‌های سه منطقه باستانی را بررسی تطبیقی کرده است که باوجود فاصله جغرافیایی بین آن‌ها اشتراکات ترسیمی و مفهومی جالب و شایان توجهی به دست آمد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته و مطالب آن از میان منابع معتبر موجود استخراج شده است. نمادهای انسانی و حیوانی این سه منطقه پس از گردآوری مطالعه و تحلیل شدند. چراکه بهترین شیوه برای دست‌یافتن به نقاط اشتراک و افتراق میان نمادها و همچنین نتیجه‌گیری مناسب، مطالعه تطبیقی این نمادها و ترسیم جدول بود.

موقعیت جغرافیایی تل باکون فارس و تپه‌های سیلک کاشان و گیان نهاوند

دو تپه، نزدیک به هم در ۲/۵ کیلومتری جنوب غربی تخت‌جمشید در دشت حاصل‌خیز مرودشت قرار دارد که به تل باکون مشهور هستند. یکی از تپه‌ها قدیمی‌تر است و آثار مکشوفه در آن به حدود ۵۰۰۰ سال پ. م. می‌رسد. تپه دیگر که آثار آن جدیدتر است، بعد از اسلام هم به عنوان گورستان از آن استفاده شده است (تصویر ۱).

نخستین بار پرفسور ارنست هرتسفلد از دانشگاه برلین آلمان در سال ۱۹۲۸ م. از این محل دیدن کرد و حفاریاتی



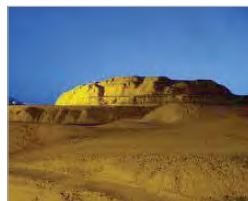
این منطقه را ۳۷ قرن قبل از میلاد مسیح (ع) می‌دانند و مورخان را عقیده بر این است که ۵۵۰۰ تا ۵۷۰۰ سال قبل در این تپه مردمانی می‌زیسته‌اند که از اقوام بومی ایران بوده و تمدنی شبیه به تمدن بین‌النهرین داشته‌اند. برای اولین بار هرتسفلد در تپه گیان نوعی سفال منقوش می‌بیند که بنابر اظهار وی نمونه‌هایی از آن سفال‌ها را در سال ۱۹۳۶ م. نزد عتیقه‌فروشان همدان دیده است. از این‌رو، چند سال بعد موزه لوور پاریس به پرفسور رومن گریشمن و ژرژ کنتنو^۲ مأموریت می‌دهد تا کاوش‌های وسیع‌تری را در این محل انجام دهند. این کاوش‌ها در سال ۱۳۱۰ م. انجام شد و نتیجه مطالعات آن‌ها در کتاب "کاوش در تپه گیان نه‌اوند" منتشر گردید. آن‌ها تپه گیان را تا عمق ۱۹ متری حفاری کردند و در نتیجه تحقیقات خود به پنج طبقه با خصوصیات متمایز برخورد نمودند که نشانگر وجود پنج دوره از تمدن قدیم بود و نشان می‌داد که این منطقه دارای قدمتی حدود ۵۷۰۰ سال است (همان: ۲۷۱).

شاخصه سفال‌های سه منطقه

سفال‌های باکون دست‌ساز هستند. نقوش روی سفال‌های نخودی در طیفی از سیاه تا قهوه‌ای شکلاتی دیده می‌شوند. کف ظروف سفالی بیشتر مخروطی است که با مهارت تمام و همراه با نقش‌هایی تزئین شده است. رایج‌ترین این نقش‌ها را نقوش تزئینی تجریدی تشکیل می‌دهند که از طبیعت الهام گرفته شده‌اند و به صورت تکراری، روی ظروف را می‌پوشانند. نقش مایه‌های عمده این سفال‌ها عبارتند از: انسان، پرنده‌گان، هیولا، جانوران خزنده مانند مار، مارمولک، لاک‌پشت و حیواناتی همچون میش، بز کوهی، گراز، گوزن، جانوران وحشی شاخدار، همچنین ماهی که همراه نقوش هندسی تزئینی، سطح ظروف این دوره را پوشانده‌اند (تصویر ۴). نقوش این ظروف به سادگی نقوش ظروف نواحی دیگر نیست و نقوش حیوانات به صورت مضمون‌های ساده تزئینی رسم شده است. در ظروفی نیز نقوش هندسی مانند مربع، مستطیل، چهارخانه و صلیب مالت و همچنین نقوش گل و گیاهی، پرنده‌گان و هلال ماه دیده می‌شود. نقوش انسانی روی تعداد معدودی از ظروف نقش شده است (رفیعی، ۱۳۷۸: ۱۳۶).



تصویر ۳. تپه گیان نه‌اوند (زرینی، ۱۳۸۵: ۲۲)



تصویر ۲. تپه سیلک کاشان (برزین، ۱۳۵۶: ۱۰۴)

در آنجا انجام داد. سپس در سال ۱۹۳۲ م. دونالد مک کان^۳ و الکساندر لانگسدورف^۴ از مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو اقدام به حفاری در آنجا کردند. در سال ۱۹۵۶ م. نیز یک هیأت ژاپنی دست به کاوش‌هایی در آنجا زدند. تمام اطلاعاتی که از گذشته این منطقه موجود است دستاورد این کاوش‌ها است (علیزاده، ۱۳۸۳: ۲۴).

تل باکون یکی از نادرترین محوطه‌های باستانی است که نام آن شاید بازتابی از شأن و مرتبه باستانی باشد و به معنی تپه خدایان تفسیر شده است. این نام در اصطلاح محلی "بگون" خوانده می‌شده که صورت جمع کلمه "بک" یا "بغ" بوده و در ایران باستان هم واژه‌ای برای نام خدا بوده است (همان: ۲۶).

تپه‌های سیلک در ضلع جنوب غربی شهر کاشان و سمت راست جاده کاشان به فین واقع شده‌اند که شامل دو تپه شمالی و جنوبی با فاصله ۶۰۰ متری از هم هستند (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵۲)، (تصویر ۲).

در سال ۱۹۳۳ م. با پیداشدن چند سفال زیبا در پاریس و شناخته‌شدن محل اکتشاف این ظروف در سیلک کاشان، مشاوره موزه ملی فرانسه برآن شد تا در اکتبر همان سال مجوز حفاری در این منطقه مهم را بگیرد. در پی آن، هیأتی فرانسوی به سرپرستی پرفسور رومن گریشمن مأمور حفاری در سیلک شدند. این هیأت باستان‌شناسی طی سه سال (۱۹۳۷، ۱۹۳۴، ۱۹۳۳) تپه‌ها را کاوش کردند و آثار تمدنی را که آغاز آن از ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد بود، در آنجا به دست آوردند. بلافاصله در سال ۱۹۳۸ م. تحقیقات خود را در دو جلد تحت عنوان سیلک کاشان به زبان فرانسوی در پاریس منتشر کردند (گریشمن، ۱۳۷۸: ۵۶).

پس از گذشت ۷۰ سال از کاوش‌های هیأت فرانسوی، طرحی بازنگری به سرپرستی صادق ملک شهمیرزادی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در دو تپه شمالی و جنوبی انجام گرفت. تپه گیان در ۱۹ کیلومتری جنوب غربی شهر نه‌اوند و دو کیلومتری سرآب گیان در کنار روستایی به همین نام قرار گرفته و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین آثار تاریخی قابل بازدید و تحقیق است (تصویر ۳). باستان‌شناسان قدمت



تصویر ۱. منطقه تل باکون فارس (علیزاده، ۱۳۸۳: ۵۶)



برخی از نقش‌های سفال، نمادین بوده بنابراین برای هنرمند و استفاده‌کنندگان این ظروف اهمیت بسیار بیشتری از کیفیت تزئینی آن‌ها داشته است. هرگونه تعبیری درباره نقش‌ها بسیار فرضی خواهد بود با وجود این، پراکندگی محدوده فضایی صحنه‌های تصویری و لحظه‌ای آن‌ها، نشان از اهمیت نمادین این نقش‌ها برای دارندگان ظروف منقوش دارد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

نتایج به دست آمده از کاوش‌ها روی تپه‌های سیلک، تمدن آن را به شش دوره فرهنگی متمایز تقسیم می‌کند. دوره اول و دوم مربوط به قدیمی‌ترین یا اولین ساکنان تپه شمالی است که حدود هفت هزار سال پیش شکل گرفته است. براساس گزارش گیرشمن ساکنان اولیه در کلبه‌های موقت که آن‌ها را بانی و شاخه‌های درخت می‌ساختند و رویشان را با گل می‌پوشاندند، زندگی می‌کردند. در این دوره‌ها علاوه بر نقش‌های هندسی، سطوح سفال‌ها را با نقوش گیاهی و حیوانی نیز تزئین می‌کردند.

در دوره سوم، مردم از چرخ‌های سفالگری سود می‌جستند. سفال‌ها در کوره‌های مخصوص که حرارت آن‌ها کنترل‌شدنی بود پخته و در تزئین آن‌ها علاوه بر نقوش قبلی از نقوش انسانی نیز استفاده می‌شد.

از دوره چهارم که از حدود ۵۰۰۰ سال قبل آغاز شده و تا حدود ۴۵۰۰ سال پیش ادامه داشته است، با نام دوره آغاز نگارش یا آغاز دوره شهرنشینی یاد می‌شود. مهم‌ترین تحول فرهنگی این دوره را باید پیدایش خط و نگارش به صورت اولیه دانست. در این دوره از مهرهای استوانه‌ای یا سیلندری که منقوش به اشکال حیوانی یا هندسی است استفاده می‌شده است. این مهرها نمایان‌گر پیشرفت تجاری و بازرگانی در آن دوره بوده است.

از شاخصه‌های دوره‌های پنجم و ششم، ظروف سفالی است که کاربرد تدفینی داشته‌اند. بعضی از این ظروف لوله‌دار به شکل حیوانات و پرندگان هستند و سطوح آن‌ها با نقوش هندسی، حیوانی و انسانی تزئین شده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸: ۲۷۳-۲۷۵)، (تصویر ۵).

در طبقه اول تپه گیان که از همه قدیمی‌تر بود، آبخوری‌های بلندی قرار داشت که منقوش به خطوط هندسی یا تزئینات دیگر بود مانند مرغابی یا گیاهانی که به صورت مصنوعی در آمده‌اند. این سفال به سفال "توزو" در بین‌النهرین شباهت زیاد دارد. سفال منقوش در طبقه دوم هنوز تحت تأثیر سبک سفال‌های منقوش دوران پیش از ایرانی است. بنابراین در این نقوش که به صورت مجالس ترتیب داده شده سبک نقش حیوانات مرسوم گردیده است. در طبقه سوم نقوش، منحصر به مثلث‌ها، هاشورها

و خطوط افقی موج‌دار است. در طبقه چهارم مهم‌ترین ظروف از حیث شکل، خمره‌های دهانه گشاد است که دارای نقش روی گردن و شانه هستند. این نقوش عبارت است از خطوط افقی دندانه‌دار و خطوط موج‌دار که بیشتر روی گردن ظرف نقش شده و نواری پهن که روی شانه ظرف قرار گرفته است. موضوع این نقوش معمولاً پرنده و شانه است. ردیف مرغان آبی که پهلوی هم دیده می‌شوند و در نقش شباهت به شانه پیدا کرده‌اند، گاهی نیز عقابی با بال‌های باز یا مرغان آبی در حال شنا نشان داده شده‌اند. در طبقه پنجم، سفالی با زمینه زرد یا سبز کم‌رنگ با نقوش سیاه به دست آمده که این نقوش عبارتند از: خطوط هندسی مانند دندانه، خطوط شکسته، مثلث‌هایی که از یک طرف بهم متصل‌اند، تیر دو سر، صلیب مالت (صلیبی که چهار بازوی آن مساوی است)، لوزی، چهارخانه و دواپیری که داخل آن‌ها تزئین شده است. به علاوه روی این سفال، نقش‌هایی با موضوع نباتات نیز دیده می‌شود و از چهارده متر به پائین ردیف مرغان آبی و بز کوهی و پلنگ هم دیده می‌شود (رفیعی، ۱۳۷۸: ۱۶۲ و ۱۶۳)، (تصویر ۶).

بررسی تطبیقی نمادهای موجود در سفالینه‌های تل باکون فارس، تپه‌های سیلک کاشان و گیان نهاوند

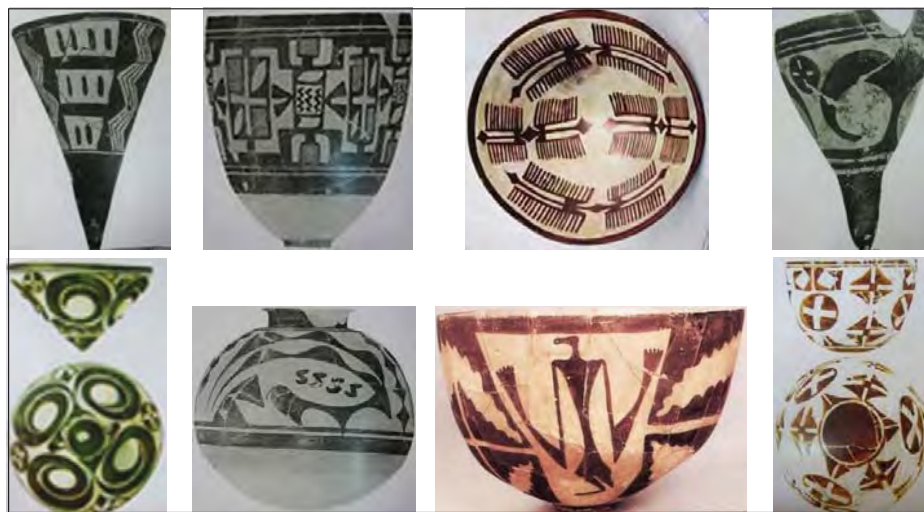
همان‌گونه که بیان شد، بهترین شیوه برای بیان نقاط اشتراک و افتراق نمادها و نتیجه‌گیری مناسب، ترسیم جدول است. از همین رو در این بخش، معرفی هفده نماد و بیان وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در قالب جدول‌های ۱ و ۲ آورده شده است.

- انسان

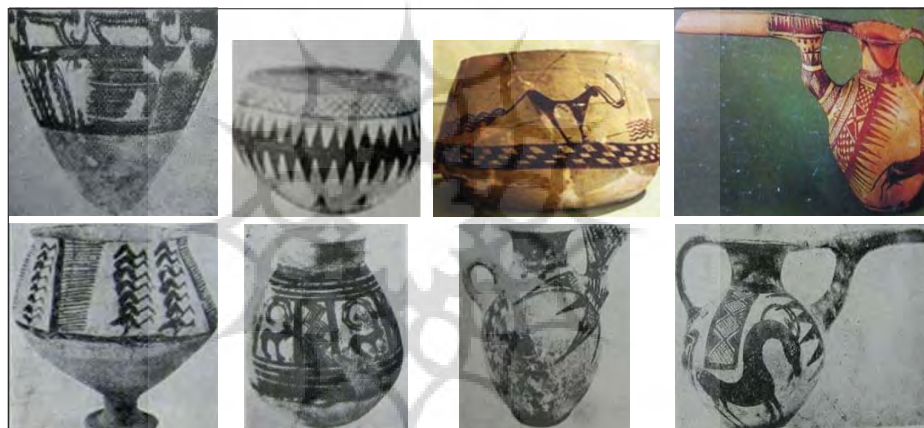
قدیمی‌ترین نمادهای انسانی را باید روی قدیمی‌ترین خانه و کاشانه بشر اولیه، غارها جستجو کرد. سیلک یکی از این سکونت‌گاه‌های قدیمی است که متعلق به هزاره پنجم پیش از میلاد است.

نماد انسان بر سفالینه‌های آن نشانگر مراسم مذهبی و روایتی و برگزاری جشن‌های مختلفی مانند جشن برداشت محصول بوده است. روی گروهی از این ظروف نماد انسان بطور دسته جمعی آمده است. از جمله روی سفالینه‌های تل باکون طرح انسان‌هایی را که لبریز از حیات و جنبش هستند، می‌توان ملاحظه کرد. زانوها خم شده و هر یک از آن‌ها دو دست خود را بر پشت نفر جلو قرار داده است و چنین می‌نماید که مشغول انجام مراسم مذهبی یا رقص گروهی هستند.

نمادهای انسانی معمولاً بیانگر جنبه نمادینی چون باروری، زایش و پیوند انسان و آب بوده و گاهی نیز نمادها، انسانی به صورت منفرد است که غالباً با قامت بلند و شانه‌های پهن و



تصویر ۴. سفالینه‌های مکشوف در تل باکون فارس و نمادهای به کار رفته روی آن‌ها
(Egami&Sono, 1959: 34,56,57,99; Egami, 1958: 40,43,51,73,74)



تصویر ۵. سفالینه‌های مکشوف در تپه سیلک کاشان و نمادهای به کار رفته روی آن‌ها
(واندنبگ، ۱۳۴۸: ۱۲۶-۱۳۰؛ توحیدی، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۹)



تصویر ۶. سفالینه‌های مکشوف در تپه گیان نهاوند و نمادهای به کار رفته روی آن‌ها
(واندنبگ، ۱۳۴۸: ۸۷-۹۱؛ توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۳)



کمر باریک ترسیم شده است. به نظر می‌رسد هدف از ترسیم این نقوش ترجمانی از افکار، آداب و رسوم، فرهنگ و مراسم مذهبی مردمان آن زمان است که هنرمند اندیشه‌ها، باورها و افسانه‌های زندگی خود و هم‌نوعانش را به تصویر می‌کشد (کیانی، ۱۳۷۹: ۶۵ و ۶۶).

- بز کوهی

بز کوهی حیوان ملی ایران دانسته شده و معمولاً با شاخ‌هایی بزرگ‌تر از اندازه معمول مانند هلال ماه ترسیم شده است. بز کوهی و جانوران شاخدار دیگر نیروی جاذبه‌ای دارند که به احتمال قوی در آغاز میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی وجود داشته است (سیدان، ۱۳۷۹: ۳۲۹). نقش این حیوان نماد آب و گیاه است (روح‌فر، ۱۳۶۹: ۱۲). آن‌ها ایتا الهه آب، در قالب بز کوهی مجسم شده گاه نیز مظهر فرشته باران بوده است. این حیوان پرزور از دیرباز مرکز قدرت به شمار می‌رفت و همواره حیوان جلودار رمه بوده و به همین سبب مانوس و مهم به شمار می‌رفته است (پوپ، ۱۳۸۰: ۱۰).

بز کوهی پس از مدتی به یکی از سمبل‌های خورشید تبدیل می‌شود و از آن پس، با علامتی شبیه به ستاره چند پر بین شاخ‌هایش بر سفالینه‌ها رسم می‌گردد. استفاده از پیچش شاخ‌های بز کوهی که حکایت از قدرت و توان فوق العاده‌اش دارد، در بسیاری از کارگاه‌های سفالگری قبل از میلاد وجود داشته و از روزگار باستان معرف و سمبل بارندگی و حاصل‌خیزی بوده است. این حیوان در فرهنگ نجومی، نشانه برج جدی یا دی ماه است (کیانی، ۱۳۷۹: ۷۶). این جانور زیبا، بومی کوهساران مناطق مختلف ایران بوده و تصویر کردن آن روی سفالینه‌ها کاملاً طبیعی است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۴۷).

- گاو یا شاخ گاو

یادآور گاو اولیه و منشاء آفرینش و در اصل الهه باروری است که موجودات از آن زاده می‌شوند. به خاطر شاخی که دارد با ماه مرتبط است. در آئین مهر، حیات و رستاخیز طبیعت را مبتنی بر کشتن گاو به دست میترا و جاری شدن خون آن بر زمین می‌دانستند. در بین‌النهرین بر پیشانی گاوها یک هلال ماه و در ستاره‌ای ترسیم می‌شد که نشانه ارتباط این حیوان با ماه و آسمان است. در خاورمیانه و خاور نزدیک، گاو علامت حاصل‌خیزی و قدرت به شمار می‌رود (همایون، ۲۵۳۵: ۵۰).

گاو طبیعتی آرام دارد، حیوانی بارکش و نماد نیرو است. در غرب نماد شکیبایی به شمار می‌رود. این حیوان یکی از دوازده شاخه زمینی تقویم و احتمالاً مفهومی نجومی داشته و نماد کشاورزی و مظهر جشنی بهاری است. همچنین معرف ثور یا

اردیبهشت از ماه‌های بهار است. گاو به عنوان حیوان قربانی، نماد از خودگذشتگی مسیح است (هال، ۱۳۸۵: ۱۰۴). در افسانه‌های آریایی، گاو مقدس و نماد قدرت و نیرو است. گاو نر حیوان منتسب به روح غلات و گاو ماده در اساطیر نشانه هرج و مرج و مادر همه آفریده‌هاست. در ایران باستان شکلی از ایزد طوفان دارد که مولد باران است. شاخ گاو ماده، علامت رسالت عقل و علامت خورشید یا ماه است (دادور، ۱۳۸۵: ۶۲-۷۳).

- گوزن

پیروزی تاریکی‌ها بر روشنایی و این مطلب کاملاً با تدفین مردگان ارتباط دارد. در بعضی از نقاط وظیفه انتقال مردگان را برعهده گوزن می‌دانستند (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۳۴۶). گوزن با شکار، حیوان خورشیدی و دشمن افعی ارتباط دارد. شاخ‌های گوزن یادآور شاخه‌های درخت است و رویش مجدد شاخ‌ها در هر سال، گوزن را سمبل احیا و زندگی جدید کرده است (فورد و بروس، ۱۳۸۸: ۶۷).

- سگ

حیوانی دلیر، باوفا، دارای حس بویایی و شنوایی قوی که بیماری را از خانه دور می‌کند. به گفته وندیداد مقام سگ و انسان یکی و نقش سگ بر سفالینه‌ها نماد آب بوده است (یاوری، ۱۳۶۵: ۱۲۷). حیوانی که در آئین میترائیسم پرستش می‌شده است (Price, 2009). نگهبان، مراقب، نماد وفاداری و همراه و پیام‌آور خدایان بی‌شمار در هنر بسیاری از تمدن‌هاست. سگ، نشان حس بویایی است (هال، ۱۳۸۵: ۵۲).

- اسب

نجیب‌ترین و نیکوترین حیوان است. رباینده روح و مرکبی برای انتقال روح مردگان از روشنایی زمین به دنیای تاریک زیرزمین است (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۲۹). اسب بالدرد در آئین مهر، تغییر شکلی از خدای پیروزی است. این ایزد در سومین تجلی خود، به پیکر اسبی سفید درآمد. همچنین در اوستا یکی از تجلیات تیشتر^۷ به صورت اسب است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۳۴۶). اسب را شاه چرنندگان و در میان چارپایان از همه نیکوتر دانسته‌اند. این حیوان نمادی از آزادی، اندام زیبا، پایداری، بخشندگی، لجاجت و غرور است (دادور، ۱۳۸۵: ۶۸).

- شیر

در آئین میترائیسم حیوانی مقدس است که در نقش برجسته‌ای در تخت جمشید، بر گاو نر که نماد اهریمن است، غلبه می‌کند (Sciolino, 2005). علاوه بر اینکه شیر نماد میترا، خورشید، تابستان و گرما، پیروزی، قدرت و نور است نماد آتش نیز هست. در دوران باستان این حیوان نیز همچون



همه چیز از آن‌ها نشأت گرفته است. حضرت یونس را ماهی بزرگی بلعید. در آئین هندو، ویشنو اولین الهه تجسم یافته بود که به شکل ماهی بزرگی درآمد تا انسان‌ها را از سیل نجات دهد (فورد و بروس، ۱۳۸۸: ۵۸).

- پرندگان؛ پرندگان آبی و دراز پا

نمادهای پرندگان زمانی به تنهایی و گاهی در جمع روی ظروف سفالین، از هزاره‌های قبل از میلاد رایج بوده است. هر یک از این نمادها دارای مفاهیم ویژه‌ای است. بسیاری از پرندگان علاوه بر نقوش تزئینی، نمادی از فرهنگ عامه و نجوم داشته‌اند. پرواز پرندگان هم نمادی از پرواز انسان‌هاست. نقوش عقاب، سیمرغ و طاووس همیشه مقدس بوده‌اند (کیانی، ۱۳۷۹: ۸۵). پرندگان آبی نشان از وجود آب فراوان داشته و پرندگان گردن دراز با آب و در نتیجه ماه مرتبط بودند. مرغان دراز پا که در مرداب‌ها زندگی می‌کنند، اشاره‌ای به اهمیت آب است که برای آبادانی ضروری است (سیدان، ۱۳۷۹: ۳۲۹).

- عقاب یا شاهین

نشانه اقتدار، توانایی و عظمت بوده و پرش آن به فال نیک گرفته می‌شد. در دوران باستان نماد فرّ شاهی و قدرت بود. در عیلام مظهر خدای حامی شوش (اینشوشیناک) و در یونان از مقدس‌ترین مرغان و مظهر هر نوع جلال و جبروت بوده است. بال‌های آن که بی‌شابهت به شانه نیست، باعث شده که در تصاویر نمادی از آب و باران شناخته شود (بیانی، ۱۳۵۱: ۱۴ و ۱۵). عقاب، پرنده خورشیدی است که در بلند آسمان پرواز می‌کند و نماد آسمان و خورشید است (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۵۸). این پرنده در هنر مسیحی، نماد صعود مسیح به آسمان و در دوره رنسانس، نماد بینایی و یکی از پنج حس و نیز نشان غرور است (هال، ۱۳۸۵: ۶۹).

- کلاغ

پرنده‌ای منسوب به مهر و پیک خورشید و بشارت‌دهنده میتراست. پرنده خبررسان در لفظ عوام و نمادی از هواست. در مراسم ذبح گاو به دست میترتا در مهرابه‌های آئین مهری، کلاغ همواره همراه او دیده می‌شود که نشان‌دهنده آب و باران است (ورمارزن، ۱۳۷۲: ۱۷۵). این پرنده نزد چینیان به عنوان پرنده‌ای روحانی محترم بوده است. همچنین، آنان برای به تصویر کشیدن نماد خورشید، کلاغی را درون دایره‌ای ترسیم می‌کنند (کویاجی، ۱۳۶۲: ۶۴). پر و بال سیاه کلاغ، آن را با مرگ و بدبینی مربوط می‌سازد. در آئین میترتا کسانی که برای نخستین بار پذیرفته می‌شدند، نقاب‌هایی به صورت کلاغ سیاه می‌پوشیدند (هال، ۱۳۸۵: ۸۴).

اسب و گوزن رباینده روح جانداران دانسته شده بود. ترسیم دم بلند برای شیر و گربه‌سانان علامت اقتدار بیشتر است. در بابل، شمش خدای بابلی را به صورت شیری می‌نمودند که گاه بالدار بود (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۳۳۸). سر شیر نشانه مراقبت و هوشیاری و اندام پسین او مظهر قدرت است (دادور، ۱۳۸۵: ۷۴).

- خرگوش

این حیوان به سبب تشابه شکل ظاهری گوش با هلال ماه، حیوانی وابسته به ماه است (صمدی، ۱۳۷۶: ۲۴). حیوانی با نیروهای مافوق طبیعی که بطور گسترده‌ای با ماه و خدایان مربوط است. می‌گویند لکه‌های روی ماه به خرگوش شبیه است و این گفته، از مراسم دیرین مربوط به ماه نشأت گرفته است. خرگوش مانند روباه عمری دراز دارد و به قول بعضی هزار سال عمر می‌کند بنابراین، نماد عمر طولانی است (هال، ۱۳۸۵: ۴۶).

- مار

پوست‌انداختن مار باعث می‌شد که مردمان باستان تصور کنند که این جانور دائماً می‌تواند تجدید حیات کند. از این رو، نشانه جاوید و نامیرا بوده و دارای طول عمر زیاد و قدرتی شگرف است. همچنین عامل اغوای آدم در بهشت دانسته شده است. در بسیاری از تمدن‌ها مخصوصاً مصر، جانور مردگان است. اگر به شکل جریان آب نشان داده شود، نماد آب و نشانه نیکی و فراوانی و وقتی با نیش ترسیم شود، نشانه اهریمن است. مار از خدایان نماد باروری نیز هست (آمی، ۱۳۷۲: ۵۹). این حیوان که جانوری قمری است بیش از هر چیز، نماد دگردیسی است. در تمدن‌های مارپرست، مار پی در پی با اسرار حیات، طول عمر و بی‌مرگی، بستگی یافته است (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۷۵). مار دارای عمر طولانی و قدرتی شگرف و پاسبان دروازه‌های زندگانی جاوید است. ماری که با چشمان باز می‌خوابد، نماد هوشیاری است (دادور، ۱۳۸۵: ۸۸). این جانور نماد مرگ و تولد دوباره و چون طبیعتاً وابسته به زمین است، یک خدای زیرزمینی و دشمن خورشید - خدا (عقاب) به شمار می‌رفت (هال، ۱۳۸۵: ۹۳).

- ماهی

نمادی از آب، آبادانی و طراوت همچنین نماد ناهید و مظهر فراوانی است. احتمالاً ماهی مظهر خدای هوا نیز بوده است (رایس، ۱۳۷۰: ۱۵۸) و تصویر آن با متن مُشَبَّک، مظهر آب‌های زمین و آسمان است (آمی، ۱۳۷۲: ۵۸). این حیوان یکی از نمادهای مسیحیت است و سه ماهی در کنار همدیگر نماد تثلیث هستند. ماهی مهم‌ترین نماد در افسانه‌های جهان است که نماد باروری، زندگی و مرگ و خوش‌یمنی است. این آبی با الهه مادر، ماه و اقیانوس‌های اولیه در ارتباط است که



- حشرات

بیشتر مردم از حشرات می‌ترسند ولی در دوران کهن به این موجودات بسیار توجه می‌شد. عنکبوت برای بسیاری فرهنگ‌ها اهمیت زیادی داشته و احتمالاً توانایی استثنایی او بافتن بوده است. زنبور سمبل نوزایی و جاودانگی است و این به دلیل سعی و تلاش سازمان یافته آن است. پروانه نماد روحی است که بدن را ترک می‌کند. کفش‌دوزک با نقش خوبی که برای از بین بردن آفت‌های گیاهی دارد، نماد شانس شده است. مورچه نماد کار شدید، سخت‌کوشی و همچنین زندگی اجتماعی است. ملخ ارتباط با بلا، مصیبت و خرابی دارد (فورد و بروس، ۱۳۸۸: ۶۰ و ۶۱).

- عقرب

جانوری متعلق به خورشید و زیانکار است لذا کشتن آن واجب و نیکو و باعث خوشنودی مزدا می‌شود. در هندوستان نشانه عشق و در صور فلکی نمادی از تاریکی است (کویاجی، ۱۳۶۲: ۶۹). عقرب ارتباط وسیعی با شیطان، خرابی و مرگ دارد.

چون در زیرزمین زندگی می‌کند، نماد حسادت، نفرت و همچنین ظلمت است (فورد و بروس، ۱۳۸۸: ۶۱).

- مارمولک

مارمولک به دلیل علاقه‌اش به آفتاب، سمبل روحی است که خرد و آگاهی را جستجو می‌کند. در این باره برخی معتقدند که مارمولک‌ها زمستان خواب هستند و این امر آن‌ها را نماد مرگ و رستاخیزی کرده است (فورد و بروس، ۱۳۸۸: ۶۲).

- عنکبوت

جانوری اساطیری که لانه‌اش را با ذات خودش می‌سازد. در قرآن آمده است: «هر آینه سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است.» در هند و خاصه آفریقا، نماد کیهان و شناخت آن است. نزد قوم باموم در کامرون، رقیب مار سلطنتی و مشاور غیب‌دانان و پیشگویان است (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۷۹ و ۸۰). همچنین ترسیم عنکبوت روی سفالینه‌های باستان می‌تواند به دلیل وجود این جانور در محل زندگی آن‌ها باشد.

جدول ۱. نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل باکون، تپه سیلک و تپه گیان

نماد	منطقه	تصویر نماد
انسان	تل باکون	
	تپه سیلک	
تپه گیان		
بز کوهی	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	



ادامه جدول ۱. نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل باکون، تپه سیلک و تپه گیان

عنوان نماد	منطقه	تصویر نماد
گاو یا شاخ گاو	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	_____
گوزن	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	_____
سگ	تل باکون	
	تپه سیلک	_____
	تپه گیان	
اسب	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	_____
شیر	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	
خرگوش	تل باکون	
	تپه سیلک	_____
	تپه گیان	_____
مار	تل باکون	
	تپه سیلک	_____
	تپه گیان	_____



نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های
مکتشفه در سه منطقه تل باکون فارس، تپه سیلک
کاشان و تپه گیان نهبوند

ادامه جدول ۱. نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکتشفه در سه منطقه تل باکون، تپه سیلک و تپه گیان

عنوان نماد	منطقه	تصویر نماد
ماهی	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	
پرنندگان آبی و درازپا	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	
	تل باکون	
عقاب یا شاهین	تپه سیلک	
	تپه گیان	
	تل باکون	
کلاغ	تپه سیلک	
	تپه گیان	
	تل باکون	



ادامه جدول ۱. نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل باکون، تپه سیلک و تپه گیان

عنوان نماد	منطقه	تصویر نماد
حشرات	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	_____
عقرب	تل باکون	
	تپه سیلک	
	تپه گیان	_____
مارمولک	تل باکون	
	تپه سیلک	_____
	تپه گیان	_____
عنکبوت	تل باکون	
	تپه سیلک	_____
	تپه گیان	_____

(نگارندگان)



جدول ۲. وجوه اشتراک و افتراق نمادها

نماد	اشتراک		
	تل باکون	تپه سیلک	تپه گیان
انسانی	نقش انسان به صورت تصنعی، خلاصه شده و به ندرت دیده می‌شود.	همراه با نشانه‌هایی از قدرت همچون کمان و نیزه نقش شده است.	طبیعت گرایانه ترسیم شده است.
چهارپایان شاخدار	شاخ‌های بز از نیم‌رخ و شاخ‌های قوچ از روبرو ترسیم و در نمایاندن شاخ‌ها بسیار اغراق شده و بدن، بسیار کوچک ترسیم گردیده است. فرم نقوش با فرم ظرف کاملاً هماهنگی دارد.	بز کوهی با شاخ‌های بلند و کمر باریک که نسبت به نقوش تل باکون واقع گرایانه‌تر ترسیم شده است.	اجزای بدن حیوان طبیعت گرایانه ترسیم شده است ولی خطوط، روانی و تحرک خط‌های نقوش تل باکون و تپه سیلک را ندارد.
حیوانی	نماد گاو تنها بخشی از سر حیوان به صورت بسیار خلاصه‌شده، گوزن با شاخ‌هایی بلند و اغراق آمیز که فرم شاخ‌ها تا حدی دور از واقعیت است. سگ با چپش و خیز برداشتن طبیعی، اسب واقع گرایانه ولی به صورتی ساده، شیر و پلنگ و خرگوش طبیعت گرایانه ترسیم شده‌اند.	نقش گاو به طرز عجیب و خیالی و دور از واقعیت، گوزن با شاخ‌هایی که اشکال مختلفی دارند، نماد اسب طبیعت گرایانه، شیر و پلنگ در جایی بسیار تجریدی و در جای دیگر بسیار طبیعت گرایانه ترسیم شده‌اند.	سگ در حال حرکت با بدن و گوش‌هایی دور از واقعیت و اغراق شده و نقش شیر بسیار ساده و تجریدی و تنها با چند خط ترسیم شده‌اند.
مار، ماهی و مارمولک	نقوش مار با تناوب طرح سیاه در زمینه سفید یا بالعکس و گاهی نقش دار ترسیم شده‌اند که بیانگر انواع گوناگون مار در این منطقه بوده است. نقش ماهی کاملاً واقع گرایانه و نقش مارمولک‌ها که تنها در منطقه تل باکون یافت شد، بسیار تجریدی و به صورت هندسی ترسیم شده‌اند.		
پرندگان	علاوه بر ترسیم طبیعت گرایانه نقوش پرندگان، نقوشی کاملاً تجریدی و هندسی با بال‌هایی شبیه شانه از آن‌ها نیز روی ظروف این منطقه ترسیم شده است.	واقع گرایانه، به صورت ایستاده، در حال شنا یا پرواز ترسیم شده‌اند.	در طراحی بعضی از اعضای بدن نقوش پرندگان از جمله اندازه چشم‌ها اغراق شده؛ در جایی پرنده شکاری با دو سر و بالی شبیه به شانه ترسیم شده است.
حشرات	در ترسیم نقوش حشرات در منطقه تل باکون بسیار تنوع دیده می‌شود. در تپه سیلک نیز دو نوع نقش یافت شد. در نمایش پاهای آن‌ها و همچنین نقوش روی بدنشان اغراق شده است.	تقریباً واقع گرایانه و طبیعی ترسیم شده‌اند.	

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

شکل ظروف سفالینه‌ها در تل باکون بسیار متنوع است آن‌گونه که نقوش این سفال‌ها به سادگی نقوش سفال منقوش نیست و غالباً وضع پیچیده‌ای دارد. هنرمند سفالگر در بسیاری از ظروف ابتدا دور نقوش را با قلم باریک‌تر قلم‌گیری سپس داخل آن را با رنگ پر کرده است. آن‌چنان که نقوش بسیار دقیق و ماهرانه ترسیم شده‌اند. نقوش به‌کاررفته روی سفالینه‌های تپه سیلک بیشتر مسبک^۶ بوده گاهی نیز آن‌ها را با روش خطی و به صورتی نزدیک به طبیعی ترسیم می‌کردند. نقوش سفال تپه گیان حد فاصل نقوش سفال سیلک و باکون است؛ در این منطقه موضوع نقوش چندان متنوع نیست و موضوع‌ها را بیشتر پرندگان و تعداد محدودی نقش انسان و حیوان چهارپا تشکیل می‌دهند که بیشتر طبیعت‌گرایانه ترسیم شده‌اند.

موضوعات مورد علاقه انسان پیش از تاریخ عموماً نقوش حیوانی موجود در محل زندگی مردمان هر سامان بوده است. این نقوش علاوه بر جنبه تزئینی، بیانی برای بیم‌ها، امیدها و علائمی برای استعانت از قوای طبیعی در مبارزه دائم و وحشتناک حیات است. درواقع، انسان از راه نماد و نشانه با هستی، طبیعت و نوع خود سخن گفته است. طبیعت نیز از این گفتگوی نمادین سر باز نزده و به انسان امکان داده تا در ذهن خود صلابت روح‌های استوار و پویا را در جانداران و همچنین آرزوی اوج و عروج را در پرواز پرندگان به صورت نمادین با نقش‌اندازی روی سفالینه‌ها تداعی کند. همین توانایی انسان در نمایش نمادین اجزای طبیعت است که انسان را انسان کرده و قدرت نمادسازی فصل تمایز انسان و حیوان است.

پی‌نوشت

1. R. Girshman
2. E. Herzfeld
3. D. McCown
4. A. Langsdorf
5. G. Contenau

۶. لحظه‌ای در هنر به معنی صحنه‌ای است که نقطه اوج یک سلسله رویدادهاست. در این صحنه‌ها جزئیات داستانی حذف شده است و فقط به لحظه‌های مهم اشاره می‌شود.
۷. تیشتر در پهلوی نام چهارمین ماه سال و روز سیزدهم هر ماه گاه‌شماری اعتدالی خورشیدی است. در اوستا تیشریه و در فارسی صورت تغییر یافته آن، تیر گفته شده که یکی از ایزدان است و به ستاره شعرای یمانی اطلاق می‌شود. فرشته مزبور نگهبان باران است و به کوشش او زمین پاک، از باران بهره‌مند می‌شود و کشتزارها سیراب می‌گردند. تیشتر را در زبان‌های اروپایی سیریوس خوانده‌اند. هرگاه تیشتر از آسمان سر بزند و بدرخشد، مژده ریزش باران می‌دهد.
۸. به پرستش گاه‌های مهرپرستان مهربانه گفته می‌شود که از دو واژه (مهر) و (آبه) ساخته شده است. آبه به معنی جای گود است.
۹. این واژه را زنده‌یاد محمد معین گذاشته‌اند به این معنی است که اگر شما آهویی را با تمامی مشخصاتش بکشید، طبیعت‌گرایی است ولی اگر برای نشان دادن آهو یک خط و دو شاخ رسم کنید، مسبک نامیده می‌شود.





منابع و مآخذ

- آمیه، پیر (۱۳۷۲). تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- برزین، پروین (۱۳۵۶). مفاهیم نقوش بر سفال دوران پیش از تاریخ، هنر و مردم، (۱۸۴ و ۱۸۵)، ۱۰۳-۱۰۵.
- بیانی، بانو ملک‌زاده (۱۳۵۱). شاهین نشانه فرّ ایزدی، بررسی تاریخی، سال هفتم، (۱)، ۱۱-۴۶.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۰). شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی فرهنگی.
- رایس، تامارا تالبوت (۱۳۷۰). سکاها، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: یزدان.
- توحیدی، فائق (۱۳۸۶). فن و هنر سفالگری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: دانشگاه الزهرا (س) و کلهر.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳). رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
- رفیعی، لیلا (۱۳۷۸). سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران: یساولی.
- روح‌فر، زهره (۱۳۶۹). نقوش اساطیری در پارچه‌های آل‌بویه، میراث فرهنگی، (۱)، ۱۲-۱۵.
- زرینی، حسین (۱۳۸۵). نهاوند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیدان، شمس‌الدین (۱۳۷۹). نهاوند در هزاره‌های تاریخ، تهران: آشتی.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۷۶). ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام، تهران: علمی فرهنگی.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۳). منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، ترجمه کورش روستایی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- فورد، میت و بروس، میراندا (۱۳۸۸). فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان، ترجمه ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، تهران: دانشگاه الزهرا (س) و کلهر.
- کوباجی، جهانگیر کوورجی (۱۳۶۲). آئین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران: امیرکبیر.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹). پیشینه سفال و سفالگری در ایران، تهران: دانش.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۰). هنر ایران در دوران پارتنی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۱). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: علمی فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۸). سلیک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ملک شه‌میرزادی، صادق (۱۳۷۸). ایران در پیش از تاریخ، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
- ورمارزون، ماتن (۱۳۷۲). آئین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: چشمه.
- هال، جیمز (۱۳۸۵). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: دانشگاه باهنر کرمان.
- همایون، غلامعلی (۲۵۳۵). کورش کبیر در آثار هنری اروپائیان، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- یآوری، حسین (۱۳۶۵). جزوه نساجی و بافت، تهران: سازمان صنایع دستی ایران.
- Price, M. (2009). Mihregan Festival. Canada. http://www.cultureofiran.com/mihregan_festival.html (access date: 2013.3.2).
- Egami, N. & Sono, T. (1959). **Marv-Dasht: The excavation at Tall-i-Gap**. Tokyo.
- Egami, N. (1958). **Tall-i-Bakun: A report of the archeological in south western Iran**. Tokyo.
- Sciolin, E. (2005). **The Elusive Face of Iran**. New York.